

# فرزند کجک ما، ما، ما



شماره پنجاه و دوم  
آبان ماه ۱۴۰۲

# فرزندان ما

## ما، ما، ما

### فهرست مطالب

- ۳..... در پناه استاد درون
- ۵..... امروز
- ۷..... فلسفه پیدایش سحر و جادو (بخش دوم)
- ۱۰..... آیورودا چیست؟
- ۱۳..... اک تنها طریق مستقیم
- ۱۹..... اعتماد به اک (تجربه شیدا)
- ۲۲..... نزاع بر سر انگور، مثنوی معنوی
- ۲۵..... گزیده‌ای از شراب ناب



# در پناه استاد درون



آن منم...  
روح نخستین، خدا مرد.  
تنها ملکه‌ی کیهان‌ها.

آن منم...  
چکاوک، بوی باران، گرمی آتش درون.  
تمامی حیات از هیبت آسمانی من است.

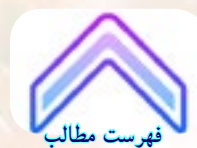
آن منم...  
همه، در پناه ساحل اقیانوس ابدی ام آرام می‌گیرند.  
حقیقت و ناحقیقت، روشنایی و تاریکی، گیسوان من است.



آن منم...  
پادشاه درون.  
همه با نغمات من صعود می‌کنند  
و در بارگاه ابدی جای خواهند گرفت.

آن منم...  
پیامبر، رسول اعظم درون،  
سفیر کائنات خدا... استاد درون

فهرست مطالب  
پانزدهم





# دریناه استاد درون



آن منم...  
موری که بر ریگزارها به سوی دانه می رود.

آن منم...  
صدای پدر...  
مرا بخوانید و بطلبید.  
رستگاری از آن شماست.

آن منم...  
پیامبر، رسول اعظم درون،  
سفیر کائنات خدا... استاد درون

نویسنده: کاتب

فهرست مطالب  
پایان



صفحه ۴



امروز



امروز در مورد شعر صحبت می‌کنیم.  
شعر یکی از راه‌های ارتباط با سه ویژگی روح است.

ابتدا: خرد، دوم: قدرت، و سوم: آزادی.  
برای مثال در مورد خرد و عشق می‌توان از مولانا یاد کرد.  
او عشقی عظیم برای خدا داشت که در دو کتاب مثنوی معنوی و دیوان شمس تبریزی می‌توان عشقی عظیم و خردی عظیم را یافت.  
مولانا عشق بزرگی که در دل داشت را به صورت اشعار به نمایش گذاشت.  
شعر یکی از راه‌هایی بود که او توانست عشق خدا را لمس کند و خردمند شود.



با این جملات تدریس را در یکی از معابد بزرگ در طبقات درون به اتمام رساندم. صدها شبدا و مسافر روح در آنجا بودند. همه چیز تغییر کرد. در حال گفتگو با استاد درون شدم. از او پرسیدم: «مولانا چنان کرد! ... من چه کردم؟».

استاد گفت: «اطرافت را بنگر». ناگهان در دره‌ای عظیم بودم که در چشم‌انداز آن دریایی پهناور وجود داشت، دره‌ای سرسبز با آسمانی درخشان. به وجد آمدم و در میان دره به راه رفتن ادامه دادم.

فهرست مطالب



صفحه ۵



امروز



به حدی شگفت‌انگیز بود که نمی‌توانم آن را وصف کنم. به آسمان درخشان آنجا نگاه کردم. چندین خورشید وجود داشت. خورشیدها را شمردم. بیشتر از پنج خورشید بودند که من تنها به سمتی که نگاه کردم، چهار خورشید وجود داشت. همه چیز را آنجا فراموش کردم. زنده و سرشار از حیات و زندگی بود. همچنان در میان درختان راه می‌رفتم. ناگهان به خود آمدم؛ نه، کمال! این سفر روح است!



بعد از چند دقیقه به جسم بازگشتم. با وجود اینکه سه ساعت توانستم بخوابم، اما با بیدار شدن از این تجربه، مملو از انرژی بودم و هر نوع خستگی و خواب‌آلودگی در جسمم، ناپدید شد. ارتباطی ظریف میان تدریس و آن بهشت زیبا وجود داشت. روح ذاتاً خود، بهشت و زیبایی پروردگار است. اساساً آنها خورشید نبودند، نور اک بودند که بر قلب سرسبز روح می‌تابیدند.

نویسنده: کاتب

فلسفه زندگی کاتب  
با کاتب



صفحه ۶



# فلسفه پیدایش سحر و جادو

(بخش دوم)



وجود جادو و جادوگری در جوامع مختلف حتی به شکل تکامل یافته‌ی امروزی آن، بر هیچ کس پوشیده نیست، اگر چه جادو هرگز نتوانست جای خود را در میان علوم مختلف باز کند، در میان عامه‌ی مردم و فرهنگ‌های مختلف، با توجه به شرایط محیطی و در مشکلات جامعه، بسیار مورد استقبال قرار گرفته است.

جادو از زمان قدیم تا به امروز به دو صورت انجام می‌شود:  
\_ گفتاری؛ مانند، اورادها، الفاظ، نفرین و دعا.  
\_ اعمالی؛ مانند حرکت اشیاء و یا پرت کردن و شکستن آنها صورت می‌گیرد.

جادوی گفتاری بسیار در میان مردم رایج است، اما جادوی عملی پیچیده و دارای شگردها و مهارت خاصی است که بیشتر در حیطه‌ی کار جادوگران می‌باشد. روحانیون مذهبی از این دو روش برای انجام مراسمات مذهبی خود استفاده می‌کنند.

از آنجا که همواره انسان‌ها، مشکلات و نیازهای خود را با چنین نیروهایی برطرف می‌کنند، در تمامی جوامع شاهد خرافات و اعتقادات برجا مانده از چنین روش‌هایی هستیم که بیشتر تأثیرات جادوی گفتاری یا لفظی است.

فلسفه پیدایش سحر و جادو



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۷



# فلسفه پیدایش سحر و جادو



(بخش دوم)

بسیاری از نمازها و ادعیه‌هایی که به جهت رفع نیازها و مشکلات انجام می‌شود، صورت تحول‌یافته‌ی جادوی لفظی می‌باشد. شرط سرایت عمل جادویی، تماس و اتصال است. اعتقاد بر این است که اگر موجود واسطه‌ی انتقال جادو و موضوع یا شخص مورد جادو، با هم تماس اتصال داشته باشند، روی یکدیگر اثر جادویی می‌گذارند، که به این روش، جادوی مُسری گفته می‌شود.



در جادوی مُسری، جادوگر می‌کوشد اجزاء و یا متعلقاتی از شیء یا شخص مورد نظر را در اختیار داشته باشد تا جادو به صاحب آن سرایت کند، بنابراین جادوگران همواره سعی بر به دست آوردن نام، مو، ناخن، لباس، تصویر و حتی خانه‌ی شخص مورد نظر را داشته‌اند.

نام اشخاص که همیشه اساس و هویت آنها به شمار می‌رود به وسیله‌ی آنها در معرض خطر جادو قرار می‌گیرد، به این خاطر همواره سعی بر آن داشته‌اند که نام خود را پنهان نگاه دارند.

به این دلیل، در بسیاری از جوامع، اشخاص در حفظ لوازم، متعلقات و نام خود اصرار دارند.

فلسفه پیدایش سحر و جادو



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۸





# فلسفه پیدایش سحر و جادو



(بخش دوم)

از روش‌های جادویی که برای تسلط بر دشمن و یا آسیب‌رساندن به او استفاده می‌شده، از راه نابودکردن نقش یا تصویر دشمن بوده است، زیرا بر این باور بودند که با صدمه‌زدن بر تصویر دشمن، خود او نیز رنج خواهد برد. در مقابل نیز، شخص عاشقی که می‌خواهد بر عشقش تسلط داشته باشد، از تصویر، اسم و یا وسایل شخصی او استفاده می‌کند تا بتواند او را تحت نفوذ و استیلای خود درآورد. این روش‌ها از دیرباز بین مردم رواج داشته و در کشورهای هند، بابل و مصر، در بین جادوگران مرسوم بوده و در بین مردم نیز رواج پیدا کرده است. این روش در قدیم، قبل از جنگ، برای از بین بردن دشمن رواج داشته است.

در برخی از کشورها معتقد بودند اگر بیمار یرقانی بر تلیله‌ی کوهی (نوعی پرنده مهاجر) خیره نگاه کند، بیماری‌اش شفا می‌یابد. آنها بر این باور بودند که طبیعت و خوی آن پرنده است که با نگاهش می‌تواند بیماری را از تن آنها بیرون کشد و به خود بگیرد.

این خصوصیت پر ارزش تلیله‌ی کوهی در میان مردم آن‌قدر قوی بود که اگر چنین پرنده‌ای برای فروش داشتند، آن را به دقت می‌پوشاندند تا مگر بیمار یرقانی نگاهش نکند و به رایگان مداوا نشود.



ادامه دارد...

فلسفه پیدایش سحر و جادو  
با همت نامت



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۹



# آیورودا چیست؟



آیورودا يك واژه‌ی سانسکریت به معنی "علم زندگی" و شاید یکی از قدیمی‌ترین سیستم‌های درمانی در دنیا است که از بیش از ۵۰۰۰ سال قبل به طور سنتی از استاد به شاگرد منتقل می‌شده است.

دانش باستانی آیورودا دانشی است که سی هزار سال پیش در هند گسترش یافت.

آیورودا یا علم زندگی یک سیستم طب طبیعی است که با خلق، نگهداری و بازگرداندن سلامت به شیوه‌ی طبیعی سر و کار دارد.

این روش از طب، ما را دوباره به طبیعت متصل می‌کند و به عنوان یکی دیگر از عناصر تحت اختیار طبیعت به حساب می‌آورد.

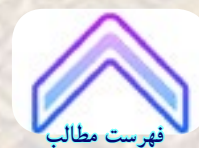
انسان باید مانند یک درخت یا آب، از قوانین ویژه‌ای پیروی کند.

پیروان آیورودا بر این باورند که در جهان هوش و دانشی برتر وجود دارد که تمامی کنترل‌ها و تعادل‌ها را در جای خود نگه می‌دارد. در داخل بدن ما نوعی کوچک‌تر از این دانش موجود است و برای ایجاد تعادل می‌کوشد، اما از آنجا که ما از ریشه‌هایمان بسیار جدا شده‌ایم، نامتعادلی‌های شدیدی را برای دستگاه‌های بدنمان به وجود آورده‌ایم.

بر اساس این دانش، ما به صورتی غیر طبیعی در کارها و افکارمان زندگی می‌کنیم و سلامتی طبیعی‌مان را از خط اصلی خارج می‌کنیم.



فهرست مطالب



صفحه ۱۰



# آیورودا چیست؟



استرس، تفکر منفی، رژیم غذایی سخت و جدایی از طبیعت، همگی عواملی برای بیماری‌های بعدی ما هستند. شخص از طریق آیورودا و خودشناسی می‌تواند دوباره به وضعیت سلامت طبیعی‌اش بازگردد. بر اساس این دانش باستانی تمام اجسام موجود در طبیعت که بدن ما نیز شامل آنان می‌شود، از عناصر آب، خاک، آتش، فضا و هوا تشکیل شده‌اند.



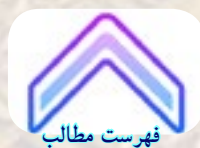
خاک، نشانگر ثبات و استحکام است. آب، نشانگر آبگونی و حرکت روان است.

آتش، نشانگر نور و حرکت است. هوا، نشانگر حرکت نامحسوس و تغییر است.

فضا، نشانگر پیوستگی و ارتباط است.

اگرچه هر کدام از ما تمامی این عناصر را در درونمان داریم، اما همگی ما منحصر به فرد و دارای مقادیر متفاوتی از این عناصر هستیم. همین امر توجیه کننده تفاوت میان شخصیت و سرشت افراد گوناگون است. ترکیب این عناصر با یکدیگر به سه نوع متابولیسم بدن یا سه نوع دوشا منجر می‌شود.

فست روزانه  
با اتمت نام





# آیورودا چیست؟



دوشاها انواع متابولیک بدن هستند که هر کدام ساختار و طرح زمینه‌ای افراد از قبیل ساختار بدنی، شخصیت، عکس‌العمل‌ها و تمایلات غذایی را تشکیل می‌دهند. این دوشاها به عنوان واتا، پیتا و کافا شناخته می‌شوند.



کافا



پیتا



واتا

واتا، شامل اتر و هوا است و با حرکات بدن مرتبط می‌شود (انرژی حرکت یا کاتابولیک).

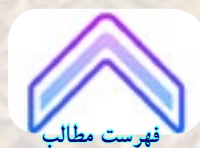
هرچند که هر سه نوع دوشا در همه‌ی افراد وجود دارد، در هر فرد خاص یکی از این دوشاها غالب است.

پیتا، از آتش و آب درست شده و به سوخت‌وساز بدن مربوط است که اساس هضم و تغییر ماده به انرژی (انرژی متابولیک) است.

کافا، شامل خاک و آب است که با ساختار بدن و ثبات و پایداری مرتبط است (انرژی ساختاری و آنابولیک).



فهرست مطالب  
پایان



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۲



# اک تنها طریق مستقیم



اسلام یک دین است، اما اک یا بنی یک علم و دانش باطنی است. در تعالیم اک چیزی به اسم شیطان وجود ندارد. اگر ما در اک به چیزی به نام شیطان معتقد باشیم، باید به خدای مقابله هم معتقد باشیم و این تفاوتی با دین و مذهب ندارد، در صورتی که اک نه دین، و نه مذهب است.



آنیمیسیم در جهان‌های آفرینش قدرت زیادی دارد، چون مخلوقات تنها متکی به ادراکات و حواس و افکار و غرایز هستند. بنابراین یک فرد باید بتواند خارج از آگاهی انسانی‌اش صعود کند، چون آگاهی انسانی همیشه برده‌ی ذهن کیهانی خواهد ماند. تمامی مکاتب و مذاهبی که به خدا و شیطان اعتقاد دارند، تحت کنترل ذهن کیهانی هستند. ذهن کیهانی سایه‌ای از اک و آگاهی روح است.

به طور کلی شیطان و خدایی که ما در حال حاضر در تمامی فرقه‌ها و مکاتب می‌بینیم و شاهدش هستیم، ساخته و پرداخته‌ی ذهن خود انسان است که بنا بر ضعف‌های درونی‌اش شکل گرفته است. منشأ این دو قطب، انرژی ذهن کیهانی است و در جهان‌های آفرینش که در بُعد زمان و مکان هستند، این دو انرژی یعنی انرژی مثبت و انرژی منفی تعادل جهان‌های آفرینش را برقرار می‌کنند. این برقراری از طریق کارما و روابط علت و معلولی که بین این دو قطب ایجاد می‌شود، شکل می‌گیرد. بنابراین در این جهان‌ها تنها ذهن کیهانی فرمانروایی می‌کند، نه شیطان یا خدا یا هر اسمی که انسان بر آن گذاشته و ساخته است.

فلسفه بنیاد اک  
با همه سادگی





# اک تنها طریق مستقیم



در قلمرو ذهن کیهانی شخصیت و مشاهیر و اساطیر نقش اول را بازی می کنند و تماماً تجلی ای از ذهن کیهانی هستند. فاصله ی ذهن کیهانی تا اولین طبقه ی معنوی یعنی طبقه روح، گاهی به اندازه ی یک تار مو است، اما از نظر بُعد آگاهی هزاران سال نوری فاصله دارد.

ذهن کیهانی تنها انشعابی سایه وار از آگاهی و توانمندی های روح است. پشت این سایه، حقیقتی از آگاهی روح نهفته است. این چنین است که خدای اصلی از طریق تضاد و تناقض در این جهان متجلی می شود و این تناقض، خالق ذهن کیهانی است.



اک یا بنی آگاهی خدا است. این آگاهی در ظرفیت های متفاوت و سطوح متفاوت مثبت و منفی در این جهان ها ظهور می کند و متجلی می شود، بنابراین خدا در این جهان ها هم تاریکی و هم روشنایی است. در مقابل هیچ کدام آن طور که به نظر می آید، نیست که به صورت نوعی دگر دیسی و تجربه ی درونی فردی تمامی مخلوقات متجلی شود و این یک اتفاق درونی است که در درون هر فرد می افتد، و هیچ وجه تشابه ای وجود ندارد، زیرا هر کس نسبت به سطح درونی اش تجربه می کند.

از طرفی مفهوم خداشناسی در اک فقط تجربه ی خدا نیست، بلکه حفظ و جذب آگاهی آن است.



فلسفه یوزیرالاک  
با اتمت نام





# اک تنها طریق مستقیم



همه در اک به سر می‌برند. مسلمان‌ها می‌گویند کلام الحی، یا هندوها می‌گویند شیدا، اما اگر به آنها بگوییم منشأ همه‌ی اینها اک است، قبول نمی‌کنند. همه چیز از یک جوهره‌ی حیات بنام اک است، حتی کسانی که هیچ مذهب و دین و مکتبی ندارند و خودشان یک راه فردی را می‌روند، اینها که تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند، قابل ستایش هستند. این جمله از استاد گورو نانک یک شاهکار است: «خداوند نه مسلمان است نه هندو، پس من تنها طریق خداوند را بر می‌گزینم و خنیاگر اویم.»

راستپوتین هم به خداشناسی رسیده بود، اما بعد از تجربه حفظ و جذب آن مهم است، فقط تجربه مهم نیست. الان هم این اشتباه در اکیست‌ها وجود دارد. خیال می‌کنند چون تجربه‌ی طبقه‌ی روح را داشته‌اند، پس مهدیس شده‌اند.

استادان اک همواره به پیامبران کمک کرده‌اند، منتها رسالت و کارشان متفاوت است. وجود پیامبران و ادیان مختلف نیز برای بشر لازم است، اما هر دینی که مدعی شود که تنها طریق و برحق است، به بیراهه می‌رود.

تعالیم اک می‌گوید خدا نسبت به نیازهای مختلف مخلوقاتش، متفاوت نیز ارتباط می‌گیرد؛ مثلاً یکی نیاز دارد بهایی شود، بهایی می‌شود، یکی بر حسب نیازش مسلمان می‌شود و آن یکی اکیست می‌شود و...

ولی اینکه طریق یا مذهبی بگوید من تنها راهم، آن دیگر بیراهه است.

خدا به مخلوقاتش آزادی داده است تا انتخاب کنند که چه راهی بروند. کسی حق ندارد دخالت کند، دیکته کند، تزریق کند، یا دیگری را اغوا کند.



فلسفه زندگی اک  
با همه‌ی ما





# اک تنها طریق مستقیم



دلیل ظهور و پیدایش تمامی مذاهب و مکاتب مختلف همین است. هر چیزی که در درونشان اتفاق افتاده است، خدا و راه خدا می‌دانند و جالب است آنها همیشه با هم سر ناسازگاری و جنگ نیز دارند. چه کسی می‌داند خدا چیست؟ تنها کسانی که او را دیده‌اند و می‌دانند کجا یافت می‌شود، آگاه هستند که هر نوع نظر و فلسفه‌ای از وجود خدا چیزی به جز سرگردانی ذهن نیست. اصالت راه خدا در ماورا طبیعه نیست. این تفکر نه تنها اشتباه است، بلکه تنها نوعی خوراک ذهن است که فرایند معنوی ندارد.



از طرفی خارج شدن از حیطه‌ی ذهن با توسل به معنویت نیست، چون معنویت اساساً با هر نوع توسل و دستاویز قرار دادن، منافات دارد. سرکوب کردن ذهن کار اشتباهی است، چون ذهن ابزاری است که می‌توان آن را ساکت و خاموش کرد، اما نابود نمی‌شود، فقط تغییر حالت می‌دهد و ما تنها می‌توانیم از ذهن به عنوان یک ابزار برای امورات روزمره استفاده کنیم. منتها آن چیزی که به عنوان روش‌های مدیریت ذهن در بین فرقه‌ها و مکاتب به کار می‌رود، جنبه‌ای تک بُعدی دارد. به عنوان مثال در آموزش‌های رسیدن به تفکرات مثبت و انرژی مثبت و نیروی جذب خوب است، اما باید تعادل را رعایت کرد، زیرا کارایی نیروی مثبت و منفی بدین صورت است که گاهی نیروی منفی بهتر جواب می‌دهد و یا برعکس آن نیروی مثبت بهتر پاسخگو است.

فلسفه زندگی  
با اتمت







# اک تنها طریق مستقیم



در شریعت آمده است که حتی خود تاریکی هم نور است. تاریکی هم رمز و رازهای زیادی دارد و این یعنی تاریکی هم اک هست. ما باید در تعادل بین دو نیروی متناقض باشیم و هر دوی این نیروها را می توان با تجربه کردن به تعادل رساند.



سری پولس رسول می گوید: «هر آنچه مورد نكوهش واقع گردد از نور متجلی شده است، لاجرم هر آنچه به تجلی در آید به ناچار نور است».

بدین معنی که همه چیز از نور است. آن چیزی را که ما باید درک کنیم، تنها در تعادل می توان به شناخت آن پی برد و بدان دست یافت. هیچ چیز بدی وجود ندارد، هیچ چیز خوبی هم وجود ندارد. هیچ چیز، نه خوبِ خوب است و نه بدِ بد،

بلکه در همه چیز باید متعادل باشیم.

حدود ۶۰ سال است از زمان پال تاکنون تنها بخش ساگونای خدا تعریف و تمجید می شود. مذهب ساخته اند و ده ها نفر مدعی استادی و پیغمبری شده اند. هر کس نوری دیده یا صوتی شنیده است یا تجربیات درونی فعالی داشته است، خود را استاد یا پیغمبر معرفی کرده است.

فلسفه زندگی اک  
با همه سنگین





# اک تنها طریق مستقیم



پیامبران در کل با استادان اک کارشان فرق می کند. پیامبران در جهان مادی کارهای بزرگی کردند، اما استادان اک علاقه‌ی زیادی به جهان بیرون و مادی ندارند و تعالیشان درونی و سری بوده است.

هارولد هم قربانی تعالیم سابق است. او تعالیم پال را تبدیل به یک پلورالیسم مذهبی و فرقه‌گرایی فناتیک کرد. مذاهب می‌میرند و مجدداً بازنویسی می‌شوند، اما اک همیشه کلام زنده است. این یک سناریوی تکراری تاریخ است. این روند از ۶ هزار سال پیش اتفاق افتاده است.

**برگرفته از ست سنگ استاد کمال الماسی (کاتب)**

فهرست مطالب  
کتابخانه



صفحه ۱۸



# وختادبرک



آهورا پسر جوانی بود که به طبیعت گردی و کوهنوردی علاقه زیادی داشت. یک روز به همراه اعضای تیمش تصمیم می‌گیرند به یکی از کوه‌های اطراف گیلان بروند. کوهی که آنها در نظر گرفته بودند قله‌ی درفک گیلان بود. برنامه را راه انداختند و حدود ۴۰ نفری در برنامه شرکت کردند. فصل زمستان و هوا سرد و برفی بود، تیم راهی گیلان شد. آهورا اولین بار بود که به آن اطراف سفر می‌کرد.



شب هنگام، از شهر خودشان راه افتادند تا صبح به مقصد رسیدند. بعد از صرف صبحانه همگی آماده‌ی صعود شدند. برای رسیدن به قله‌ی درفک باید چند ساعتی را جنگل‌نوردی می‌کردند تا به کمر کوه برسند. چند ساعتی بعد از پیمایش جنگل، کم‌کم مسیر کوه نمایان شد. هوا خیلی سرد بود و باد شدیدی می‌وزید. ساعت نزدیک سه عصر بود و هنوز به قله نرسیده بودند. با تصمیم سرپرست برنامه بیست دقیقه مانده به قله، اتمام صعود اعلام شد و اعضای تیم با ناراحتی و پریشانی مسیر برگشت را در پیش گرفتند.

فصل زمستان  
ما





تجربه شد

# اعتماد برک



در کوهنوردی قانونی هست به اسم قانون ساعت ۱۴؛ یعنی در زمستان هر کوهنوردی تا این ساعت صعود نکرده باشد باید از صعود انصراف دهد، چون هنگام برگشت، شب می‌شود و خطرات زیادی به دنبال دارد. کم کم هوا رو به تاریکی و سرمای شدید و بارندگی می‌رفت. وقتی وارد جنگل شدند، هوا تاریک شده بود و مسیر برگشت را گم کردند. همه با استرس زیاد بگو مگو را شروع کردند.



آهورا با دلی پر از ترس و نگرانی یک دفعه یادش آمد که از استاد درون کمک بخواهد. با تمام وجود و از ته دل از استاد درون راهنمایی می‌خواست و مثل یک جرقه منتظر نشانه‌ای از استاد درون بود؛ اما خبری نشد. هر طور بود مسیر جنگل را به پایان رساندند. یک دفعه به دوراهی رسیدند. همه ایستادند که از کدام راه بروند که به روستا ختم شود. کل اعضای تیم یک مسیر را انتخاب کردند و سرپرست تیم با اطمینان راه دوم را انتخاب کرد. آهورا به سرپرستش خیلی اعتماد داشت و به حرفش گوش می‌کرد، اما تمامی اعضای تیم با سرپرست مخالفت کردند.

فهرست مطالب  
اعتماد برک



صفحه ۲۰



# اعتماد برک



سرپرست تیم با تمام قدرت گفت: «یا با من می‌آیید یا به مسیری که انتخاب کردید، می‌روید». استاد درون مسیر را انتخاب کرده بود و از طریق سرپرست تیم وارد عمل شده بود. آهورا در درونش تردید داشت. گفت: «خدایا چکار کنیم؟». آهورا رو به اعضای تیم کرد و گفت: «دوستان باید کنار هم و با هم باشیم. اگر مسیر درست بود، به سلامت برمی‌گردیم، اگر نه باز خیالمان راحت است که کنار هم هستیم و از همدیگر باخبریم».

دوستان تیم، حرف آهورا را قبول کردند و پشت سر سرپرست تیم راهی شدند. شاید یک ساعتی بود در عمق تاریکی و سوز و سرما کوهپیمایی می‌کردند که ناگهان چراغ‌های روستا را دیدند که از دور چشمک می‌زدند. همه هورا کشیدند و خوشحال شدند. استاد درون همه‌ی اعضای تیم را به سلامت به روستا برگرداند و همگی خوش و خرم سوار اتوبوس شدند و راهی شهر برای استراحت شدند. کافی است به استاد درون اعتماد داشت و خود را به او سپرد. استاد خودش مسیر را انتخاب و هدایت می‌کند.

فصل روزگار  
با اعتماد





# نزاع بر سر انگور، شومی معنوی



چهار نفر، با هم دوست بودند؛  
عرب، ترک، رومی و ایرانی.  
مردی به آنها یک دینار پول داد تا آنچه را نیاز دارند و به آن علاقمند هستند،  
برای خود تهیه کنند.



مرد ایرانی گفت: «انگور بخریم».  
مرد عرب گفت: «نه، من عنب می‌خواهم».  
مرد ترک گفت: «بهتر است ازوم بخریم».  
مرد رومی گفت: «دعوا نکنید، استافیل می‌خریم».  
آنها به توافق نرسیدند، هرچند همه‌ی آنها یک میوه؛ یعنی انگور می‌خواستند.  
از نادانی مشت بر هم می‌زدند و به بحث و مشاجره پرداختند.



در تنازع آن نفر جنگی شدند  
که ز سر نامها غافل بُدند  
مشت برهم می‌زدند از ابلهی  
پُر بُدند از جهل و از دانش تهی

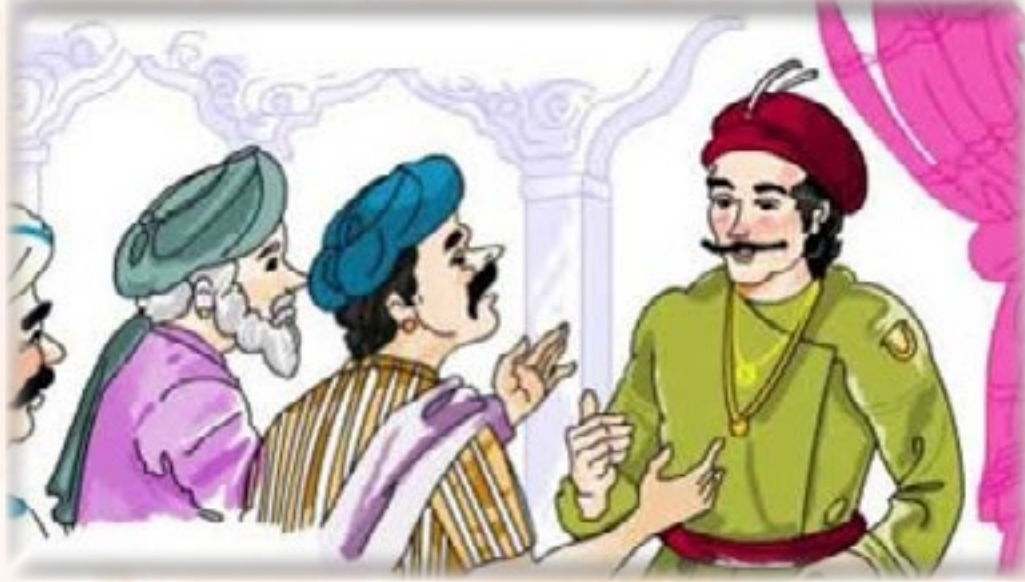
آنها راز و معنای نامها را نمی‌دانستند، هر کدام به زبان خود انگور می‌خواست.  
اگر یک مرد دانای زبان‌دان آنجا بود، آنها را آشتی می‌داد و می‌گفت: «من با این  
یک دینار، خواسته‌ی همه‌ی شما را می‌خرم. یک دینار، خواسته‌ی همه‌ی شما را  
برآورده می‌کند».

فلسفه زندگی  
با شادمانی





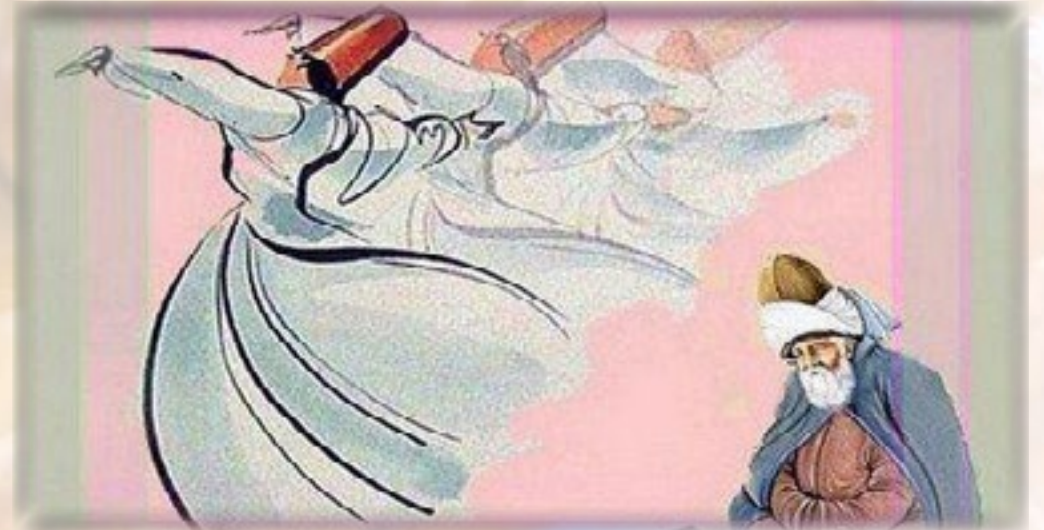
# نزاع بر سر لنگور، شومی معنوی



صاحب سَرّی عزیزى صد زبان  
گر بُدى آنجا بدادى صلحشان  
پس بگفتى او که، من زین یک دَرَم  
آرزوى جمله تان را مى دهم  
یک دَرَم تان مى شود چار المُرَاد  
چار دشمن مى شود یک ز اتحاد

دل را به من بسپارید و خاموش باشید، زیرا که سخن ندانسته موجب نزاع و دعواست.  
چون معنای نامها را می دانم. اختلاف شما در نام است و در صورت، معنا و حقیقت یک چیز است».

گفت: هر یکتان دهد جنگ و فراق  
گفت: من آرد شما را اتفاق  
مرغ جانها را چنان یکدل کند  
کز صفاشان بی غش و بی غل کند



فهرست مطالب





# نزاع بر سر لاکور، شومی معنوی



تمامی نزاعها و دشمنیها از سر عدم آگاهی از حقیقت است. در طول تاریخ منشاء جنگها و اختلاف نظرهایی که بین مذاهب و مکاتب و فرقههای مختلف وجود داشته، این است که همه خود را به حقیقت نزدیکتر و برحق می دانند، حال آنکه حقیقت را نمی توان در فلسفه، معنویت، زبان و اعتقادات بشر یافت.

تمامی پیش داوریها و درگیریها در دنیا از این است که انسان قادر نیست از دایرهی ادراکات ذهنی خود پا را فراتر بگذارد و به ندای درون خود گوش بسپارد. گوش سپردن و خویشتن داری هنری است که انسان باید بیاموزد و بکار بندد تا آگاهی او بیشتر و به تدریج در حقیقت بیدار شود، چون تنها حقیقت است که رنگ، نژاد، دین و آیین به خود نمی گیرد، بلکه حقیقت در برگیرندهی همه چیز است. اگر چه در قالبها و از طریق شکل های بی شماری متجلی و به زبان های گوناگونی بیان می شود، اما حقیقت نه تغییر می کند و نه تأثیر می گیرد. حقیقت تنها حقیقت است.

شومی معنوی - دفتر دوم

فلسفه و زندگی نامه  
پادشاه



صفحه ۲۴





# گزیده ای از شراب ناب



به اقیانوس عشق مبادا باتن روی که پاره پاره کند تن...

به روح ناخدا شو...

کشتی به امواج سپار...

که فانوس معشوق تو را بس...



نویسنده: کاتب

فصل روزگار  
با کاتب



صفحه ۲۵

## پن‌نام بنی

نشریه‌ی هامسا ماهنامه‌ی فرزندان اِک متعلق به بنیاد بنی فرزندان اِک می‌باشد. این موسسه در کالیفرنیا، آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می‌باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندان اِک اعم از کتاب‌های تالیف و ترجمه شده از جمله کتاب‌های نوشته شده توسط بنیانگذار موسسه، مقالات، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و ست‌سنگ‌های نوشته شده، متعلق به اِک (بنی) و بنیاد بنی فرزندان اِک و متعلق به فرزندان اِک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره‌ی نشریه برگرفته شده از مقاله‌ها و ست‌سنگ‌های اصلین برتر، مهدیس‌ها و آرا‌هات‌های مجموعه‌ی بنیاد بنی، تجارب فرزندان اِک، کتاب‌های اِک، سایت‌های ویکی پدیا و سایت‌های علمی می‌باشد که توسط تیم نشریه جمع‌آوری و ویرایش شده است. برخی از مقاله‌ها و مطالب نیز بر مبنای تحقیقات و دریافت‌های فرزندان اِک تهیه و تالیف شده است، همچنین بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندان اِک طراحی و ترسیم شده است.

چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با تعالیم اِک و یا مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، یا مایلید تجارب معنوی شما هم در شماره‌های بعدی نشر گردد، آثار و تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. همچنین می‌توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق کاربری روابط عمومی یا ایمیل موسسه در میان بگذارید.

برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اِک)، ما را در وب‌سایت و شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید.

وب‌سایت بنی ..... [www.Bani-foundation.com](http://www.Bani-foundation.com)

کانال یوتیوب فارسی بنیاد اِک ..... <https://www.youtube.com/.../>

روابط عمومی ..... [T.me/Bani\\_Pr](https://t.me/Bani_Pr)

ایمیل روابط عمومی ..... [Banifoundation.pr@gmail.com](mailto:Banifoundation.pr@gmail.com)

لینک کانال‌های مجموعه ..... <https://linktr.ee/banifoundation>

برکت باشد

